

تحلیل و بررسی امکان کاربست الاهیات امید مولتمان در آموزه مهدویت شیعی^۱

احمدرضا مفتاح^۲

باقر طالبی دارابی^۳

مهراب صادق نیا^۴

مریم شهرزاد^۵

چکیده

«یورگن مولتمان»، الاهی‌دان پروتستان آلمانی، برای حل مشکلات الاهیات مسیحی در دوره مدرن، «الاهیات امید» را مطرح کرد. «الاهیات امید»، انسان را واجد نقشی فعال در زمینه‌سازی تحقق ملکوت در آخرالزمان می‌داند. این الاهیات با توجه به تأکیدی که بر جنبه عمل (پراکسیس) داشت، در زمینه شکل‌گیری الاهیات سیاسی، همانند الاهیات رهایی‌بخش در آمریکای لاتین موثر واقع شد. مسئله این است که امکان کاربست الاهیات امید مولتمان، به عنوان صورت و قالب برای تبیین آموزه مهدویت در دوره مدرن، مورد بررسی قرار بگیرد. این تحقیق، با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای به سامان رسیده است. به نظر می‌رسد با نگاهی گفتمانی به الاهیات امید، در آموزه مهدویت شیعی و انتظار موعود نیز بتوان بر جنبه عمل بیش از جنبه اعتقادی و نظری تأکید کرد؛ همان‌گونه که نهضت امام خمینی علیه السلام، انتظار را به گفتمانی تأثیرگذار تبدیل کرد و موجب برپایی نظام جمهوری اسلامی ایران شد.

واژگان کلیدی: الاهیات امید، یورگن مولتمان، آخرالزمان، مسیحیت، اسلام، انتظار.

۱. برگرفته از رساله دکتری «امکان کاربست الهیات امید مولتمان در کلام شیعی» دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

meftah555@gmail.com

۲. دانشیار گروه ادیان ابراهیمی دانشگاه ادیان و مذاهب

b.t.darabi@gmail.com

۳. استادیار گروه دین‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

sadeghnam@yahoo.com

۴. استادیار گروه ادیان ابراهیمی دانشگاه ادیان و مذاهب

m.shahrzad@gmail.com

۵. دانشجوی دکتری دین‌پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)

مقدمه

«امید داشتن» مؤمنان به آینده‌ای روشن، بر اساس منابع دینی و ایجاد شور مؤمنانه در آن‌ها، از مؤلفه‌های هر دینی، از جمله مسیحیت و اسلام است. امید دادن، بخشی از آموزه‌ها و گزاره‌های هر دین است که تأمین‌کننده نیاز انسان‌های دیندار و مومن در بُعد امید و مثبت‌نگری است و فلسفه‌اش آن است که شور ایمانی پیروانش به سردی نگراید و باورهای آن‌ها به مرور ایام سست نشود. آدمی همواره چشم به آینده دوخته است و چیزی را می‌جوید که بالفعل نزد او حاضر نیست. بشر بی‌آینده، ناامید و سرخورده است. جهان مسیحیت، بعد از جنگ جهانی دوم به سرخوردگی و نومیدی دچار شد. یورگن مولتمان برای حل این مشکل، با تأکید بر آموزه «فرجام‌شناسی»، مقوله «الاهیات امید» را مطرح کرد و انسان را در ظهور ملکوت الهی دارای نقشی موثر خواند. او آینده را زاییده حال و بر اساس آن دانست و زندگی مبتنی بر عدل و شکوفایی را با زندگی عمل‌گرایانه انسان‌ها، همسو با امیدی فعال تعریف کرد.

درباره پیشینه این تحقیق می‌توان به مقاله «ماهیت امید؛ مقایسه‌ای تطبیقی بین اسلام و مسیحیت» (محققان و پرچم، زمستان ۱۳۹۱: ص ۷-۲۶)؛ و نیز مقاله «نقد و تحلیل الاهیات امید یورگن مولتمان» (رسولی پور و سرایلو، پاییز و زمستان ۱۳۹۸: ص ۷۵-۱۰۲)؛ اشاره کرد. نوآوری مقاله پیش‌رو، آن است که با بررسی الاهیات امید به بازخوانی آموزه مهدویت پرداخته است تا آن را در دوره مدرن بهتر قابل فهم کند.

اجمالی از زندگینامه یورگن مولتمان

یورگن مولتمان، در سال ۱۹۲۶م، در خانواده‌ای سکولار به دنیا آمد و به گفته خودش، در جوانی از کلیسا و انجیل دور بود. در همان زمان با شاعران و فیلسوفان ایده‌آلیست آلمانی، مانند لسینگ، گوته و نیچه آشنا شد. مولتمان در سال ۱۹۴۴م و در زمان جنگ جهانی دوم، در هفده سالگی به ارتش فرا خوانده شد و در ۱۹۴۵م، به دست نیروهای انگلیسی اسیر گردید. او سه سال در اردوگاه‌های جنگی در بلژیک، اسکاتلند و انگلستان اسیر بود. در این ایام مشاهده کرد زندانیان چگونه از درون افول می‌کنند و به خاطر یأس و نومیدی، ضعیف و بیمار می‌شوند و می‌میرند. در این ایام به مطالعه انجیل پرداخت و تحت تأثیر این مطالعات قرار گرفت و اموری را



تجربه کرد که خود از آن‌ها به تجربه «خدا، به عنوان نیروی امید و هم تجربه حضور خداوند در رنج و آلام» یاد کرده است؛ دو موضوعی که بعدها به جنبه‌های مکمل الاهیات امید او شد (لین، ۱۳۹۶: ص ۴۶). مولتمان پس از بازگشت به آلمان در ۱۹۴۸م، مطالعه الاهیات را در دانشگاه گوتینگن شروع کرد و تحت تأثیر برخی از استادان خویش، مانند اُتو وبر، چشم‌انداز فرجام شناسانه کلیسا را نسبت به ظهور ملکوت خداوند به دست آورد و در ۱۹۶۴م، کتاب «الاهیات امید» را منتشر کرد. وی با چاپ این کتاب، به عنوان یکی از پیشروان الاهیات مسیحی مطرح شد. از الاهیات مولتمان با عناوین دیگری مانند الاهیات امید، الاهیات رستاخیز، الاهیات صلیب، الاهیات سیاسی و الاهیات رهایی بخش نام برده شده است (الاهی راد، ۱۳۹۰: ص ۱۶۹ و لین، ۱۳۹۶: ص ۴۶).

کلام شیعی، سرشار از آموزه‌های غنی است که به نظر می‌رسد در برخی موارد به بازخوانی نیاز دارد تا برای دوره مدرن بهتر قابل فهم شود. از جمله باورها و آموزه‌هایی که ممکن است به خوبی فهمیده نشده، یا به کارکرد آن توجه کافی نشده باشد، «باور به مهدویت و انتظار فرج» است. به این آموزه در میان شیعیان در طول تاریخ بیش‌تر به عنوان نوعی «باور» نگریسته شده است. حتی برخی جریان‌ها، مانند انجمن حجتیه که هر گونه حرکت و قیامی قبل از ظهور حضرت حجت را بر نمی‌تافتند؛ ممکن است تحت تأثیر فضای مدرن برخی افراد، از انتظار موعود فهم درستی نداشته باشند. بنابراین، مسئله ما در این مقاله آن است که آموزه معنابخش و پویای مهدویت نزد متکلمان شیعه را با استفاده از ادبیات الهی‌دان مسیحی بازنمایی کنیم. به نظر می‌رسد، این کار به توسعه فهم این آموزه کمک می‌کند و ادبیات آن را غنی می‌سازد.

بازخوانی آموزه مهدویت در چارچوب مفهومی الاهیات امید مولتمان؛ به‌ویژه تأکید بر جنبه‌های عملی (پراکسیس) و رهایی بخش آن؛ به تبیین کارکرد باور به مهدویت در دوران معاصر کمک خواهد کرد. البته روشن است که این نکته به معنای آن نیست که رویکرد نظری مولتمان به موعود باوری مسیحی، ظرفیت بازنمایی همه ابعاد مهدویت شیعی را دارد و یا این که تقریر او از آخرت شناسی مسیحی بر تقریر متکلمان مسلمان از مهدویت ترجیح دارد؛ بلکه نویسندگان این مقاله مایل هستند با استفاده از ادبیات او، تقریری تازه از مهدویت ارائه و ضمن افزایش ادبیات این حوزه، مخاطبان بیش‌تری را به مطالعه و درک این اصل اعتقادی اسلامی و



شیعی دعوت کنند. برای رسیدن به این هدف، ابتدا الاهیات امید مولتمان تبیین و بررسی و چارچوب مفهومی آن برجسته خواهد شد. در ادامه، ضمن اشاره به نگاه متکلمان شیعه به آموزه مهدویت، جنبه‌های عملی و حرکت زای آن برجسته و امید اجتماعی و پویایی و تحول خواهی معطوف به آن، با اشاره به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ توضیح داده خواهد شد.

زمینه‌های پیدایش الاهیات امید مولتمان

تجربه مولتمان از جنگ جهانی دوم، اسارت وی در اردوگاه‌های دشمن و مشاهده این که چگونه «رنج» و «امید» (دو جزء مکمل الاهیات مولتمان)، انسان را در برابر مشکلات محکم و بردبار می‌کنند؛ اولین منبع تدوین الاهیات مورد نظر او بود. وی پس از مدتی، رویکرد سیستماتیک در الاهیات را پیش گرفت و این ایده را با نشان دادن تلاش مسیحیان کاتولیک، ارتدوکس و یهودیان برای فهم عمیق‌تری از الاهیات مسیحی تقویت کرد و با این کار، بر همه این الاهیات‌ها، به‌ویژه الاهیات‌های رهایی بخش جهان سوم تأثیر بسزایی گذاشت (گرنر و اولسن، ۱۳۸۹: ص ۲۶۱ و میرتبار و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۱۰۸).

دهه ۶۰م، دوران ناامید کننده‌ای برای بسیاری از متألهان و خداباوران مسیحی بود. کشتار مردم بی‌گناه و از بین بردن یهودیان و بمباران اتمی ژاپن، به عنوان سمبل‌های بزرگ شر، خداباوری سنتی را با چالش‌های جدی رو به‌رو ساخت. به گمان بسیاری، گویا خدا انسان را فراموش کرده است و به گرایش معنوی و دینی (مسیحی) امیدی وجود ندارد. اگر امیدی هم وجود دارد، تنها امیدی اومانستی و انسان‌گرایانه است که بر توانایی بشر اتکا دارد. از منظر مولتمان، مؤمنان مسیحی در این موج جدید ارتداد، نومیدانه مانند سیزیف هستند که باید سنگی بزرگ بر روی شیبی ناهموار تا بالای قله بغلتانند؛ ولی پیش از آن که به انتهای مسیر برسند، سنگ از دستش رها می‌شود.

بنابراین، خدمتگزار مؤمن و پیرو خدا به فردی تبدیل شده بود که در تلاش خود صادق بود؛ ولی همواره شکست می‌خورد (Moltmann, 1975: p.24). گویا خدا عملکرد خود را در این دوره نشان نمی‌داد و با وجود آن که از ملکوت و آرمان‌ها و بهشت سخن به میان آمده بود، آنچه در جهان در جریان بود، خلاف تمام آرمان‌ها نشان می‌داد. در این دوران بود که مولتمان



الاهیات / امید را نگاشت؛ که الاهیاتی فرجام شناسانه بود؛ با این انگیزه که مشکلات الاهیات معاصر را حل کند (لین، ۱۳۹۶: ص ۴۶۰، ۴۶۱).

از مشکلات الاهیات مسیحی در دهه مزبور، ناکارآمدی الاهیات نظری در مقام عمل و زندگی مسیحی بود. به عبارت دیگر، چنین الاهیاتی در مقام عمل فایده‌ای نداشت و نسبت به رنج‌ها و آلام بشری، هیچ گونه کنشگری اجتماعی از خود نشان نمی‌داد و تنها به نظاره می‌ایستاد. الاهیات سنتی همواره حقایق مکاشفه‌ای را به صورت «انتزاعی» ارائه کرده بود؛ اما در عمل تقریباً هیچ گامی برای بهبود شرایط جهان برنداشته بود؛ چنان که میگوئز بونینو در این مقام گفته بود: «الاهیات باید از تبیین کردن باز ایستد و دگرگون کردن آن‌ها را آغاز کند» (همان، ص ۵۲۱ و مهرجردی، ۱۳۹۰: ص ۳۴).

از جمله دل‌مشغولی‌های مولتمان، از بین بردن جدایی مخرب بین نظریه الاهیاتی و کاربرت آن بود. در مقوله رجعت و بازگشت مسیح و فرجام دنیا، از نظر الاهیات کلاسیک مسیحی، خدا یا نماینده او در آینده رجعت می‌کرد و ملکوت خود را تشکیل می‌داد؛ بدون آن که انسان در آن نقشی داشته باشد. در مقابل این آرا، دیدگاه مولتمان این بود که انسان حاضر در زمان حال، با امید به آینده، زمینه تحقق ملکوت را فراهم می‌کند. به این ترتیب الاهیات امید، الاهیات به آینده برای منقلب کردن زمان حال معطوف است و تحوّل حال، زمینه را برای ظهور ملکوت خدا در آینده فراهم می‌کند. در این گفتمان، «ملکوت خدا» کار خدا است، نه کار انسان؛ اما خدا انسان را در این کار مشارکت می‌دهد تا انسان در این مورد دارای نقش باشد. به عقیده مولتمان، بنیان حقیقی مسیحیت، ظهور ملکوت جلال خدا است و تحقق کامل جلال خدا در آزادی و مشارکت جمیع انسان‌ها است. تحقق این ملکوت باعث رهایی انسان و تمام مخلوقات از تباهی می‌شود. به این ترتیب، مولتمان در الاهیات امید مورد نظر خویش، بر آن است که مسیحیت از ابتدا تا انتها بر فرجام شناسی، امید، نگاه به آینده، حرکت به سوی آن و در نتیجه دگرگونی و انقلاب زمان حال بر اساس آینده مبتنی است. در این نگاه، گذشته، حال و آینده را نمی‌سازد، بلکه امید به آینده، حال را می‌سازد و هرچه در گذشته و حال رخ داده، در جهت تحقق آینده و به انگیزه آن است (گرنرو و اولسن، ۱۳۹۰: ص ۲۶۲).



الاهیات امید مولتمان

مولتمان در گام نخست تلاش کرد مفهومی جدید و کاربردی از «فرجام‌شناسی» مسیحی عنوان کند و آن را از فرجام‌شناسی به معنای رایج در مسیحیت تفکیک کند. فرجام‌شناسی که به معنای رایج آن در مسیحیت، هم ناظر به آخرالزمان است و هم ناظر به عالم آخرت؛ که در آن تاریخ به پایان می‌رسد و مردگان زنده و خلق جدیدی خارج از تاریخ بر تاریخ انسان تحمیل می‌شوند؛ در نوشته مولتمان مورد آسیب‌شناسی قرار می‌گیرد. به این ترتیب که فرجام‌شناسی از منظر مولتمان، نه بخشی از مسیحیت، بلکه قلب مسیحیت است که از آن طریق، همه چیز در مسیحیت به هم پیوند می‌خورد. مسیحیت از آن طریق می‌تواند با نگاهی رو به جلو، حرکتی رو به رشد داشته باشد و وضعیت کنونی خود را دگرگون کند (Moltmann, 1967: P.15-16). به این ترتیب، الاهیات امید، الاهیاتی امیدبخش و امیدوارکننده برای نجات و رستگاری است (تیسن، بی تا: ص ۱۹۱).

از دیدگاه مولتمان، هدف مأموریت مسیحی صرفاً نجات فردی و روحانی نیست، بلکه کلیسا باید با تغییر شرایط اجتماع برای تحقق امید، عدالت اجتماعی، صلح و آرامش برای همه انسان‌ها بکوشد. از این رو، طبق این الاهیات، این مأموریت فقط بر دوش مسیحیان نیست، بلکه همه مردم از همه ادیان این وظیفه را بر عهده دارند (میرتبار و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۱۱۱). درهای کلیسا باید رو به خدا، انسان‌ها و آینده گشوده باشد. البته این گشودگی و امید به آینده، صرفاً به معنای سازگاری با شرایط زمانه نیست، بلکه حاکی از این است که تناقض میان آنچه هست و آنچه وعده داده شده است؛ باید انسان و به‌ویژه کلیسا را برانگیزد تا تجدید حیات کند و همه امکانات کنونی جهان را در مسیر آینده فرجام‌شناسانه سوق دهد. از دیدگاه مولتمان، این تجدید حیات درونی کلیسا دارای ابعادی است که اولاً، کلیسا باید همواره در حال اجرای مأموریت الهی خود، در آن سوی موانع جغرافیایی، نژادی، ملی و طبقاتی باشد و همه فعالیت‌هایی را که به رهایی انسان از بردگی و فقر می‌انجامد، عهده‌دار شود؛ ثانیاً، کلیسا دارای جهت‌گیری سیاسی باشد و برای دفاع از حقوق ستمدیدگان و محرومان در برابر نظام‌های ناعادلانه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بایستد (Moltmann, 1967: p.154-155).

در الاهیات امید، کلیسا باید بر اساس زندگی در میان تاریخ گذشته مسیح و آینده جهانی که در

آن تاریخ تکمیل خواهد شد؛ مأموریت خود را مبنی بر هدایت جهان به سوی آینده انجام دهد. به همین دلیل کلیسا باید با ایجاد یک «رفاقت وابسته به انتظار مسیح» در میان مریدان خود، مسئولیت خود و سایر مسیحیان را در تشکیل جامعه‌ای آرمانی - که در آن، روح القدس به همه مسیحیان آزادی و قدرت خواهد داد - کاملاً تبیین، اجرا و عملی کند. الاهیات مولتمان الاهیات رهایی‌بخش نیز تلقی می‌شود. از دیدگاه او ظلم و ستم دو طرف دارد: در یک سو مالک و ارباب و در سوی دیگر برده است که در هر دو طرف، ظلم و ستم، بشریت و انسانیت را ویران می‌کند. پس هدف، آزادی هر دو طرف است و با توجه به اولویت در گزینش فقرا از سوی خداوند؛ این گزینش باید مورد توجه ثروتمندان نیز قرار بگیرد (میرتبار و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۱۱۲).

به این ترتیب، مولتمان با تفسیر خاص خود از برخی آموزه‌های مسیحیت، کلیسا و مسیحیان را از منفعل بودن و نظاره‌گری حوادث مربوط به فرجام دنیا و آخرالزمان، به حضوری فعال، اثرگذار و تاریخ‌ساز فرا می‌خواند. او هدف مأموریت مسیحی را صرفاً نجات فردی، شخصی و روحانی نمی‌داند، بلکه همچنین تحقق عدالت اجتماعی و صلح و آرامش برای همه انسان‌ها را هدف آن می‌داند. مولتمان بر این باور است که این امر در کلیسای مسیحی نادیده گرفته شده است. به عقیده او کلیسا بر اساس امید به آینده، باید برای تغییر شرایط کنونی اجتماع فعالیت کند و از منظر عهد جدید، انتظار نجات الهی در آینده، نه به عنوان بهانه‌ای برای انفعال در زمان حاضر، بلکه در حکم تشویق و دلگرمی برای عمل است؛ زیرا «زحمت شما برای خداوند باطل نیست» (تیسن، بی تا: ص ۳۳).

در مجموع، مولتمان در پی بیان دو معنا است: اول، آن که جدا از خواست و مشیت و تقدیرات الهی برای رقم زدن آن فرجام باشکوه آخرالزمانی؛ مؤمنان در تحقق آن سهم و مأموریتی دارند. دوم، آن که هدف مأموریت مسیحی صرفاً نجات فردی و روحانی نیست، بلکه تحقق عدالت اجتماعی و صلح و آرامش برای همه انسان‌ها است.

کارکردهای الاهیات امید مولتمان (با تأکید بر محرومیت‌زدایی از کشورهای آمریکای لاتین)

از نظر مولتمان، جهت‌گیری فرجام شناسانه ایمان مسیحی کتاب مقدس نسبت به آینده جهان، مستلزم به کارگیری امکانات برای تغییر در جهان در برابر تمامی تمایلات به رکود و



بی‌عملی است. کلیسا موظف است این امکانات را به سوی ملکوت آینده خداوند جهت دهی کند. او در یکی از مصاحبه‌های خود در این زمینه چنین می‌گوید:

کلیساهای تجدیدنظر طلب و جدید، در عین این که باید بر دینداری شخصی و بیداری ایمان فردی تأکید کنند، لازم است مسائل سیاسی و اجتماعی همانند آنچه را در محله‌های فقیرنشین آمریکای لاتین می‌گذرد؛ بسیار جدی بگیرند. این نهضت نه تنها باید قلوب را بیدار کند، بلکه باید ساختارها را - اگر ناعادلانه‌اند - تغییر دهد. این نهضت‌ها باید جنبه‌های سیاسی و اجتماعی پیروی دینی را به جنبه‌های شخصی آن بیفزاید. با این همه، این تنها پیشنهاد است نه قضاوت.^۱

الهیات رهایی‌بخش، یکی از جنبش‌های بسیار مهمی بود که در آمریکای لاتین به ظهور پیوست. الهیات رهایی‌بخش بر مسؤولیت کلیسا در قبال برقراری عدل و داد در میان فقرا و ضعفا؛ به‌ویژه از طریق فعالیت‌های سیاسی تأکید داشت. هرچند برخی از الهی‌دانان پروتستان در این نهضت درگیر بودند؛ الهیات رهایی‌بخش را بایستی جنبشی در متن کلیسای کاتولیک دانست که کلیسا را به تعهد و مسؤولیت‌پذیری جدیدی در قبال نیازمندان فرا می‌خواند و پیامد آن، تحولات اجتماعی تمام‌عیاری در سراسر این منطقه بود (ادگار، ۱۳۹۵: ص ۲۴۱؛ لین، ۱۳۹۶: ص ۵۱۸ و مهرجردی، ۱۳۹۰: ص ۳۱).

از جمله کارکردها و خدمات مذهبی جدید این جنبش، می‌توان به خدمات مذهبی، انتظام جامعه دینی، توضیح مسائل دینی، پرستاری از بیماران، آموزش خواندن و نوشتن به مردم و دستگیری از نیازمندان اشاره کرد. مک گراث ادگار بر آن است که بهترین تعبیر برای این تجربه تعبیر مصطلح «بازآفرینی کلیسا» است (ادگار، ۱۳۹۵: ص ۲۴۲).

چنین نگاه متفاوتی به کلیسا، به‌ویژه پس از آن که در آمریکای لاتین و احتمالاً نقاط دیگر، به تجربه موفق‌تری برای ایده پردازان آن بدل شد؛ نشان داد که نگاه سنتی به کلیسا لزوماً از کارکرد مؤثرتری برخوردار نیست. همچنین نشان داد که جنبش‌های جدید تا چه اندازه می‌توانند بر کاستن از دردها و رنج‌ها و آلام عینی بشر مؤثر باشند. چنین جنبش‌هایی، در حقیقت انقلاب در

۱. گفت‌وگو با یورگن مولتمان در <http://forsat3000.mihanblog.com/post/767>

سیستمی بود که چند قرن به اداره کلیسا می پرداخت و این سیستم بیش از بیان وظیفه خویش در قبال جامعه، بر وظایف مؤمنان در قبال کلیسا تأکید داشت. به گفته لئوناردو بوف، اسقف‌ها و پاپ‌ها، فقط به عنوان امانتداران مسؤولیت‌های واگذار شده به آن‌ها بودند و محور قدرت کامل کلیسا دانسته شده بودند؛ به گونه‌ای که در تقابل با جامعه دینی به تصویر کشیده شدند. چنین جامعه واقعی، به حاکمان و زیردستان، پیش نمازان و اقتداکنندگان، تولید کنندگان و مصرف کنندگان شعائر، تقسیم شده است. در چنین نظام سلسله مراتبی، کلیسای محلی، فقط نماینده کلیسای جهانی است. این تصویر بر تصویر دیگر کلیسا به عنوان جامعه مؤمنان که مسؤولیت مشترک جهانی در قبال همه امور کلیسا دارند؛ غالب است. در آن‌جا از شبانانی شروع می‌شود که محافظ گله هستند؛ اما این، وارونه کردن نظم طبیعی امور است؛ زیرا گله مقدم است و سپس شبان قرار دارد (به تبع وجود گله) عملکرد سلسله مراتبی، در کلیسا امری ضروری است؛ اما این به خودی خود منشأ بقای آن نیست. کارکرد سلسله مراتبی را باید در متن جامعه ایمان و در خدمت آن نگریست. این نگرش ساده و طبیعی درباره امور است (همان، ص ۲۴۲-۲۴۳).

از دیگر ویژگی‌های الهیات رهایی‌بخش که به نظر می‌رسد از بنیانگذاران الهیات امید‌الهام گرفته شده است؛ آن است که الهیات رهایی‌بخش نقطه عزیمت خود را توجه به روح آموزه‌های دینی، به جای اولویت دادن به برخی اصول و مناسک قرار می‌دهد و توجه به بهبود زندگی در این دنیا را لازمه سعادت ابدی می‌داند (قاسمی قمی، ۱۳۹۰: ص ۳۸).

ویژگی دیگر الهیات رهایی‌بخش، این که مفاهیم و نظریه‌های سیاسی در مورد اقدام اجتماعی را از مباحث آکادمیک خارج و آن را وارد ادبیات عوام کرد و با دادن خصلت اجتماعی به ارزش‌های مسیحی، آن‌ها را عملیاتی و مذهب را به نوعی گفتمان قدرتمند اصلاح طلب در قلمرو اجتماعی تبدیل کرد.

در واقع، پیام الهیات رهایی‌بخش بسیار ساده است: «ستم‌های اجتماعی علیه اخلاق مسیحی که به انسانیت و معنویت نفوذ می‌کند و می‌توان با جهاد مسلحانه علیه دیکتاتورها، سرمایه‌داران و سلطه‌گران خارجی جلو آن را گرفت.» به این ترتیب، الهیات رهایی‌بخش یکی از مهم‌ترین جریان‌های الهیاتی در مسیحیت معاصر است که در شرایط اجتماعی و سیاسی جنگ جهانی اول و دوم ریشه دارد. این نهضت الهیاتی، مهم‌ترین ریشه‌های عقب ماندگی کشورها را



ظلم ریشه‌دار حکومت‌های خودکامه، استعمار کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی می‌داند. در این الاهیات، رسیدگی به تهیدستان مسئله مهم محسوب می‌شود. از این‌رو، وظیفه کلیسا در رسیدن به ملکوت، فقرزدایی و مبارزه با ظالمان است و کتاب مقدس نیز باید از منظر فقرا خوانده شود (لین، ۱۳۹۶: ص ۵۱۸).

در سال‌های اخیر، الاهیات‌رهایی‌بخش پس از یک دوره فترت، در پی سقوط شوروی و شکست ایدئولوژی مارکسیسم، سقوط نظامیان و دیکتاتورهای منطقه و حاکمیت گروه‌های نسبتاً آزادی‌خواه در آمریکای لاتین، فعال شد. این مسئله، با رویش موج بیداری سیاسی در کشورهای منطقه، از جمله روی کار آمدن رؤسای جمهوری چون هوگو چاوز در ونزوئلا، دانیل اورتگا در نیکاراگوئه، اوو مورالس در بولیوی، رافائل کورتا در اکوادور و فرناندو لوگو در پاراگوئه، رخ داد. الاهیات‌رهایی‌بخش، گرچه امروزه در قاره‌های دیگر نیز طرفدارانی یافته است؛ به دلیل فقر، عقب ماندگی گسترده و فقدان هویت و کرامت انسانی در جوامع آمریکای لاتین، در این منطقه بستر مناسب‌تری برای آن فراهم آمد. امروزه آموزه‌های الاهیات‌رهایی‌بخش، چنان مهم و برجسته شده که شناخت مسیحیت بدون آن در عالم معاصر ناممکن است؛ چرا که پیام صلح و دوستی در جهان از مهم‌ترین اهداف مسیحیت در جهان معاصر است. الاهیات‌رهایی‌بخش با دنیوی کردن مسئله نجات، به مسیحیان و بلکه به کل بشر اعلام می‌دارد که نجات و تحقق وعده نهایی خداوند تنها در سایه تلاش برای پاک کردن چهره جهان از شرارت‌ها و نابرابری‌ها و آراستن آن با عدالت، برابری، نیکی و انسان دوستی ممکن است. مسیحیان باید جهان خود را طبق فرمان الاهی بیاریند تا زمینه رستاخیز مجدد عیسی مسیح فراهم آید. به عبارت دیگر، الاهیات‌رهایی‌بخش به دنبال تقریر و روایت دیگری از مسیحیت است تا بتواند خلأ موجود را در باور دینی مذهب پروتستان و شعارها و آرمان‌های آن پرکند. مهم‌ترین آرمان‌های جریان پروتستان در بعد اجتماعی، آزادی و برابری است؛ در حالی که قرن بیستم شاهد منازعات ملی و بین‌المللی، به‌ویژه در سطح اروپا و نیز فاصله طبقاتی در میان ملل آسیایی و آفریقایی بوده است. الاهیات‌رهایی‌بخش با برجسته کردن این نابسامانی‌ها و نابرابری‌ها، در صدد اصلاح آن برآمده تا بدین گونه، اصلاح آموزه‌ها و عقاید مسیحی و گسترش و تثبیت مسیحیت را در جهان معاصر موجب شود (میرتبارو دیگران، ۱۳۹۴: ص ۱۰۵ و لین، ۱۳۹۶:

ص ۵۱۹).

مولتمان در الاهیات امید، به بحث فرجام شناسی و بازگشت عیسی مسیح نگاهی مدرن دارد. او معتقد است که خود مسیحیان باید با عمل خود ملکوت الهی یا «هزاره طلایی» بازگشت عیسی را محقق کنند تا حکومت صالحان برپا شود. فرجام شناسی مولتمان به تفسیر خاصی از «هزاره گرایی» تکیه دارد. از دیدگاه او، هزاره گرایی به معنای تاریخی که اکنون زمان حاکمیت هزار ساله مسیحی و عصر پایانی بشر فرارسیده است، مردود می‌باشد؛ چرا که سبب شده انسان غربی عصر روشنگری، با این تصور که اکنون دوران حاکمیت اوست، با استثمار کشورهای جهان سوم به تأسیس امپراتوری مسیح در جهان بپردازد (مهدور، ۱۳۹۹: ص ۹۹). مولتمان به هزاره گرایی فرجام شناختی معتقد است. طبق این تفسیر از هزاره گرایی، حاکمیت مسیحی در آینده‌ای رخ می‌دهد که امید مسیحی وعده داده است. این هزاره گرایی خود را به تقسیم بندی تاریخ محدود نمی‌کند و تنها به دنبال آینده است. مولتمان این هزاره گرایی را الاهیاتی تاریخی می‌داند که نسبت به آینده تاریخ ناگشوده است و آن را نظریه‌ای تاریخی یا پیش‌گویی آخرالزمانی نمی‌داند (Moltmann, 1996: p. 141-146).

از منظر او سرزمین آرمانی، دیگر جایی مخفی زیر دریاها نیست، بلکه با اعتقاد به تاریخ در حال آمدن، به آینده‌ای ممکن و محتمل که مورد آرزوست؛ منتقل شده است. تاریخ در معرض تأثیر هزاره گرایی آخرالزمانی و اشتیاق آخرالزمانی ذهن و جان قرار می‌گیرد که برایش پایان، غیر از اصل و مبدأ است. هدف، از آغاز بزرگ‌تر بوده و آینده چیزی بیش از تمامی گذشته است (همان، ۱۹۶۷: ص ۱۸۹). او ملکوت را نوعی «رویداد» و «لحظه» نمی‌داند، بلکه «فرآیند»ی می‌داند که با عمل بیش‌تر مسیحیان محقق می‌شود (گرنر و اولسن، ۱۳۹۰: ص ۲۶۸). او بیش از این که دغدغه نظری داشته باشد، دغدغه عمل دارد. مثلاً او در مسئله شر، به دنبال چرایی شر نیست، بلکه به دنبال تحقق نجات و رهایی است. نکته دیگر این که او امید را جایگزین عقلانیت می‌کند و به الاهیات زمینه‌مند توجه ویژه‌ای دارد. توجه به درد و رنج مردم، رنج طبقه پایین جامعه و به دنبال راهکاری الاهیاتی برای رفع آن است. او در چهارچوب فرجام شناسی سیاسی، «تاریخ» را عرصه جنگ قدرت میان دو نیروی متخاصم می‌داند: زورمندان و فقرا. قدرت‌مندان طالب ادامه شرایط زمان حال در آینده هستند؛ چرا که آینده آن‌ها پیشرفت دائمی را به همراه



دارد و امتداد مالکیت‌های کنونی آن‌هاست (Moltmann, 1996: p. 44-46). گروهی که در معرض فقر و استثمار هستند؛ مستضعفانی‌اند که به ادامه روند فعلی علاقه‌ای ندارند و در جست‌وجوی جایگزینی مسیر دیگری به جای روند فعلی‌اند. آخرالزمان برای آنان تحقق آزادی است. از این‌رو در تکاپو برای پایان سریع حال هستند (هر چند با خشونت). مولتمان فرجام جهان را بر وعده کتاب مقدس به برخاستن مسیح از صلیب و پایان حکومت قدرتمندان جهان مبتنی می‌داند (همان، ص ۱۳۴-۱۳۹). بر همین مبنا او معتقد است که الاهیات رهایی بخش، به عنوان بدیل سرمایه داری باید در جهان همگانی شود (همان، ۱۹۹۹: ص ۶۸). گاه نگاه او به بحث آخرالزمان و بازگشت عیسی، نگاهی مدرن و درگیر با جامعه است و بر عمل و تلاش بیش‌تر در جهت تحقق ملکوت الاهی تأکید جدی دارد. این نوع نگاه، اعتراض و مقاومت و مسئولیت‌پذیری می‌طلبد. توجه مولتمان به بازگشت مسیح، صرف انتظار نیست. این نگاه به جامعه توجه دارد و بر جنبه عمل تأکید می‌کند. در این دیدگاه، اهل ایمان باید با تلاش خود ملکوت را محقق کنند.

چگونگی استفاده از الاهیات مولتمان در آموزه مهدویت

اکنون می‌توان این پرسش را مطرح کرد که با توجه به رهاوردهای مثبت اجتماعی الاهیات امید مولتمان و تأثیرگذاری آن بر الاهیات رهایی‌بخش و تحوّل کارکردی کلیسا در برخی از جوامع محروم، مانند آمریکای لاتین؛ آیا در آموزه‌های شیعیان دوازده امامی نیز چنین کارکردی وجود دارد و نیز برای تبیین آموزه مهدویت برای انسان مدرن، چگونه می‌توان از الاهیات امید مولتمان استفاده کرد و ویژگی‌های عمل‌گرایانه آن را بیش‌تر مورد تأکید قرار داد؟

البته به این نکته باید توجه داشت که منظور از طرح این بحث، خدشه در غنی نبودن باورهای شیعی نیست. نکته این‌جاست که باوجود آموزه‌های غنی، گاه به خوبی از این سنت غنی استفاده نمی‌شود. با بازخوانی الاهیات امید مولتمان که در دوره مدرن مطرح شده است؛ به این نکته راه می‌یابیم از چه ظرفیت‌هایی در باورهای شیعی کم‌تر استفاده شده است. از جمله این ظرفیت‌ها، تأکید بر جنبه «عمل» است که در الاهیات امید خود را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، می‌خواهیم به الاهیات امید نگاه‌گفتمانی داشته باشیم و از توجه به جهان مدرن، الاهیات



زمینه‌مند و تاکید بر عمل و رهایی بخش بودن باور آخرالزمانی بهره ببریم.

از جمله آموزه‌هایی که در سنت شیعی وجود دارد و به نوعی می‌توان آن را با الاهیات امید مرتبط دانست، بحث «انتظار فرج» است. در امامیه به مسئله انتظار فرج توجه بسیاری شده و در آموزه‌های پیامبر اسلام و امامان علیهم‌السلام بر آن تأکید شده است. به عنوان نمونه از امام صادق علیه‌السلام چنین روایت شده است: «أفضل أعمال شيعتنا انتظار الفرج» (ابن بابویه، ۱۴۰۵: ص ۳۷۷). از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز چنین روایت شده است: «با فضیلت‌ترین اعمال امت من، انتظار فرج است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵، ص ۳۱۸).

علامه مجلسی در *بحار الأنوار* (۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۲۲)، بابتی را تحت عنوان «فضل انتظار الفرج...» به این احادیث اختصاص داده است و حتی در میان اهل سنت، هیثمی در مجمع الزوائد (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۱۰، ص ۱۴۷)؛ بابتی تحت عنوان «انتظار الفرج» دارد. بنابراین روایات، دستور امامان شیعه علیهم‌السلام به شیعیان نشان این است که «منتظر» باشند؛ زیرا تا جامعه در حالت انتظار نباشد، ظهوری نخواهد بود؛ مضافاً این که مطابق عقیده امامیه، علت محرومیت کنونی و بلکه چند صد ساله امت، عدم ظرفیت و آمادگی برای امامت و فرمانروایی حجت خدا عجل‌الله‌تعالی‌وآله‌وسلم است (حلی، ۱۴۰۴: ص ۶۳).

وظیفه منتظر در فرهنگ امامیه، صرفاً انتظار کشیدن منفعلانه و نظاره‌گر بودن غیرمسئولانه نیست، بلکه نقش منتظران در تاریخ‌سازی به گونه‌ای است که تا منتظران واقعی نباشند، ظهوری صورت نخواهد گرفت و این، همان نقش اثرگذار و غیرقابل انکار منتظران مؤمن در چگونگی رقم خوردن تاریخ و فراهم کردن شرایط به دست آنان در پایان دوران حیات انسان و نقش سازنده آن‌ها در رقم زدن فرجام و پیروزی مؤمنان در آخرالزمان است؛ چنان که برخی از محققان معاصر در آثار خویش مستقلاً به صفات منتظر پرداخته‌اند.

احادیث شریف، صفات فرد منتظر را دوری از حرام، دعوت به دین خدا در پنهان و آشکار، حسن همنشینی، بذل نیکویی، آزار ندادن، خوشرویی، نصیحت و مهربانی با مومنان و ادای امانت نسبت به فرد فاجر و نیکوکار برشمرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۸: ص ۲۳۱). نیز گفتنی است که صفات فرد منتظر فقط ویژگی‌های فردی نیستند، بلکه فرد منتظر از تحقق آن صفات در خود شروع می‌کند تا این صفات در جامعه رواج یابد؛ زیرا با ترویج این صفات در جامعه، فرج نزدیک و



آسیب‌ها به لطف خدا برطرف می‌شود. تکلیف اصلی که مهم‌ترین تکالیف در عصر غیبت است؛ گرایش و التزام منتظران به اجرای تکالیف شرعی است که او را به خدا نزدیک کرده و از جمله به عبادات اجتماعی مقید باشد که بر همه عبادات فردی خیمه می‌اندازد، این، حالت کمالی است که انسان را رشد می‌دهد و سطح او را بالا می‌برد و موجب زندگانی با عزت برای او می‌شود که در آن بدبختی و خواری راه ندارد. در چنین حالت و رویکردی، چرا انتظار فرج بالاترین عبادت نباشد؟ (همان، ص ۲۳۲).

جعفر مرتضی عاملی نیز در پاسخ به این سؤال که چگونه منتظر فرج باشیم؛ به واقعی بودن عمل انتظار فرج اشاره می‌کند. او انتظار را به معنای عدم فعالیت و تلاش در جهت سازندگی و عدم مساعدت به رهبران در اقامه احکام الهی و اصلاح امور و بی مسئولیتی و تکیه بر اتفاق غیبی نمی‌داند، بلکه معنای انتظار را این می‌داند که منتظر مدام به آن بیندیشد و در جهت رفع موجبات آن تلاش کند. فرد منتظر دقایق و لحظاتی که بین او و محبوبش فاصله می‌اندازد، برمی‌شمارد و به هر وسیله‌ای که بشود، رهایی از این فاصله‌ها را آرزو می‌کند. پس اگر خطایی یا سببی مایه تاخیر از وصول به آرزویش شد، همه تلاشش را صورت می‌دهد تا آن را از میان ببرد. انسان خواب زده غافل که زندگی پوچ و غیرمسئولانه‌ای دارد، منتظر محسوب نمی‌شود (عاملی، ۱۴۲۴: ج ۵، ص ۱۲۵).

همان‌گونه که مولتمان با بازتعریف مأموریت مسیحی و کلیسا، مؤمنان را به حضوری اثرگذار و امیدوارانه در رقم زدن فرجام در آخرالزمان فرامی‌خواند؛ زندگی منتظرانه نیز در مجموع نوع خاصی از زندگی را برای منتظر رقم می‌زند که «اثرگذاری» و «امید» از مؤلفه‌های آن است. بر اساس آموزه‌های امامان علیهم‌السلام، منتظران نه تنها ناامید نیستند، بلکه ظهور امام غایب را در هر هفته و هر ماه، متوقعند و امید، شاخصه و مؤلفه انتظار و از لوازم انفکاک ناپذیر آن است. اگر امیدی نباشد، انتظار مفهومی نخواهد داشت؛ چنان که در برخی احادیث، تأویل این عبارت را: «آن را دور می‌بینند و ما نزدیک می‌بینیم»^۱؛ ظهور امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌وآخروجه‌التوفیق عنوان شده است (ابن مشهدی، ۱۴۱۷: ص ۶۶۵ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۹۶).



۱. «إنهم يرونه بعيداً ونراه قريباً» (معارج: ۶-۷).

از مسلمات مذهب امامی این است که مؤمنان بر زمان آمدن منجی و تقدیم و تأخیر آن نقشی تعیین کننده و مؤثر دارند. عالمان امامی به منظور فرهنگ سازی این مسئله، در طول تاریخ به تألیف رسائل و کتاب های متعددی مبادرت کرده اند (یزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۴۱۱ و آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ج ۱۸، ص ۱۶۰، ج ۲۲، ص ۱۸۲ و ج ۲۵، ص ۱۱۵).

مولتمان هدف تحوّل را نقش آفرینی در آخرالزمان و فرارسیدن ملکوت و تأثیرگذاری بر تحقق عدالت اجتماعی و صلح و آرامش برای همه انسان ها معرفی کرده است. تأمل در جوامع روایی امامی، گویای آن است که هر جا از ظهور امام موعود شیعیان امامی علیه السلام ذکر شده باشد، به اقامه عدل و قسط و پاک کردن ظلم و جور از صفحه زمین اشاره گردیده و در بسیاری از روایات با عبارت «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» به این معنا تأکید شده است (صدوق، ۱۴۱۷: ص ۷۸ و ۴۱۹؛ همان، ۱۴۰۳: ص ۳۹۶؛ همان، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۶۱ و فتال نیشابوری، بی تا: ص ۳۲)؛ مضافاً این که در روایات، از منافع وافر دوران ظهور برای انسان ها و سایر جانداران و از شکوفایی و آسایش آن زمان سخن به میان آمده است (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۳: ص ۲۹۱).

نکته دیگر آن که مولتمان برای آن که کلیسا در این تحوّل و تاریخ سازی شگرف، نقش خود را ادا کند، به تجدید حیات کلیسا معتقد است. از نظر او کلیسا باید در حال اجرای مأموریت الهی در جهت رهایش انسان ها از بردگی ناشی از ضرورت های اقتصادی و فراموش کردن خدا باشد^۱ و به طرفداری از ستمدیدگان و درماندگان جهت گیری سیاسی داشته باشد (لین، ۱۳۹۶: ص ۵۱۸-۵۱۹).

همین طور بسیاری از فقیهان امامیه از قرون اولیه معتقد بودند که امامان علیهم السلام، به منظور اجرای قسط و عدل و مبارزه با زورگویان و ظالمان و زیاده خواهان، همواره در پی تشکیل حکومت و عمل سیاسی بوده اند؛ زیرا اجرای احکام الهی بدون وجود حکومتی به پیشوایی حجت های خداوند، ممکن نیست و برای جلوگیری از تعطیل کردن احکام و مناسک و شعائر الهی هیچ ضامن اجرایی وجود ندارد. برخی تشکیل حکومت دینی را از باب وجوب مقدمه

1. <http://bashgah.nonegar4.ir/fa/category/show/68185>

واجب، واجب می‌دانستند. از این‌رو اسلام را دینی کاملاً سیاسی دانسته‌اند؛ چرا که بسیاری از احکام اسلام کاملاً با سیاست درهم تنیده شده است. به همین دلیل، تقریباً همه عالمان امامی، مراتبی از ولایت را برای فقها قائل بوده‌اند (نراقی، ۱۲۴۵: ص ۵۰-۵۱؛ نجفی، ۱۳۶۷: ج ۲۱، ص ۱۴ و ج ۲۲، ص ۱۹۷؛ انصاری، ۱۴۱۵: ص ۷۰ و همان، ص ۳۳۷). بر خلاف برخی که قائل بوده‌اند ورود در سیاست مذموم و با مفهوم انتظار مخالف است؛ گفتمان غالبی از امامیه، اسلام را دین سیاسی دانسته است. آماده شدن برای ظهور، پایان دادن به عصر غیبت با عمل سیاسی و سرنگون کردن طواغیت و ایجاد حکومت صالح، که مقدمه ساز ظهور امام غایب عجل الله تعالی فرجه است؛ مورد وفاق آن‌ها بوده است.

حجاریان با عنوان «موعودیت در انقلاب روسیه و انقلاب اسلامی ایران»؛ با نگاه از منظر درونی به دین، ادیان دارای عناصر موعودی را، آتش زیر خاکستر دانسته که در مواجهه با بحران‌های فرهنگی-تمدنی، برای حل مسئله بقا به تجدید حیات و سربرآوردن از زیر خاکستر دست می‌زنند. در این حال، کانون موعودیت در درون آن‌ها شعله‌ور شده و دین را مجدداً به منظور به محاق بردن عناصر ارتجاعی و وجوه ایستا بازسازی می‌کنند. از دیدگاه او در این حال، آرمانشهر فرجام شناختی موعودیت، از دین دستگیری و آن را جوان می‌کند. در فرآیندی مستقل، اسطوره‌های فرجام شناختی از باورهای «نخبه‌گرا» خارج می‌شود و با تطبیق بر شرایط، مقبولیت «توده‌ای» پیدا می‌کند. از این‌رو انتظارات هزاره‌ای صرف، به جنبشی موعودی منجر نمی‌شود، بلکه سقوط و فروپاشی شرایط عینی، برای دین حافظ وضعیت موجود، ناپایداری و برای دین مقاومت، فرصتی جدی به ارمغان می‌آورد. در این حال، ادیان حامل آموزه‌های مقاومت، فرجام شناسانه و موعودی، مستعد نیل به کامیابی می‌شوند. پس سه عنصر برای تبدیل دین وضعیت موجود به دین مقاومت لازم است: اول، شرایط از هم گسسته عینی اجتماعی و نارضایتی عمومی؛ دوم، توانایی دین مقاومت در ساختن تئوری مشروعیت نوین سیاسی؛ سوم، یارگیری دین مقاومت از بخش‌هایی از جامعه که قبلاً در آن‌ها حاضر نبوده است.

همین عوامل اجتماعی و روان شناختی به ایجاد زمینه اجتماعی برای فعال شدن عناصر موعودی یا حذف و رانده شدن آن‌ها از جامعه منجر می‌شود (حجاریان، ۱۳۷۳: ص ۲۸۸).

تا قبل از انقلاب اسلامی در ایران، نگاه به مقوله انتظار و منتظر فرج بودن، باوری فردی

محسوب می‌شد. هر فرد حداکثر با پارسایی می‌کوشید که از جرگه مقربان درگاه الهی و امامان دوازده‌گانه قرار بگیرد. این نگاه سمت‌وسوی افراط‌گرایانه‌ای نیز داشت؛ مبنی بر این که فساد در زمین، رسیدن به زمان ظهور را نزدیک می‌کند. این دیدگاه، تقوای شخصی را ترویج و تحقق حکومت اسلامی قبل از ظهور را مذمت می‌کرد. از میان فقهای امامی، امام خمینی، با نگاه جدیدی، در قیام علیه حکومت طاغوت همت گماشت. نگاه او به وضعیت جامعه، با اعتراض همراه بود. او انتظار ذهن‌گرایانه حاکم در اذهان را به گفت‌وگو مبدل کرد؛ چرا که با ایجاد یک ایدئولوژی در مقابل ایدئولوژی حاکم، خواستار تغییرات اساسی در قدرت شد (صادق نیا، ۱۳۹۴: ص ۵۱). امام خمینی علاوه بر تدوین ایدئولوژی مقاومت در ایران که به تغییر نظام حاکم بر ایران و روی کار آمدن نظام شیعی در کشور منجر شد؛ نهضت خود را در بین ملت‌ها توسعه داد. او در سخنانی با اشاره به همین روند مقاومت و ایستادگی، به روند ابتلای ملت‌ها به قدرت‌های خودکامه اشاره و همه را به قیام علیه حکومت‌ها دعوت می‌کند (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۱۱، ص ۳۳۶). ایشان خیزش ملی مردم ایران را مبدأ حرکت سایر ملت‌ها و ایستادگی و فریاد آن‌ها در مقابل قدرت‌های تحمیلی می‌داند و نهضت مردم ایران را سرآغاز شکستن ابهت طواغیت عنوان می‌کند و معنای صدور انقلاب را این‌طور بیان می‌کنند:

ما که می‌گوییم انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم؛ می‌خواهیم همین معنایی که پیدا شده؛ همین معنویی که پیدا شده است در ایران؛ همین مسائلی که در ایران پیدا شده؛ ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم. ما می‌خواهیم که این انقلابمان را، انقلاب فرهنگی‌مان را، انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم و اگر این انقلاب صادر شد، هر جا صادر بشود این انقلاب، مشکل حل می‌شود. آن‌هایی که برای اسلام دلشان می‌سوزد، آن‌هایی که برای کشورشان دلشان می‌سوزد، ملت‌های خودشان را بیدار کنند تا این تحول الهی، که در ایران پیدا شد، در آن‌جاها پیدا بشود. باید تعلیمات اسلام را گرفت و همان طوری که اسلام دستور داده است که مؤمنین، همه مؤمنین در همه جا برادر هستند^۱ و امر کرده

۱. بخشی از آیه ۱۰ سوره حجرات: «أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِخْوَةٌ»؛ جزاین نیست که مؤمنان برادرند.»

است به این که اعتصام به حبل الله بکنید و متفرق از هم نشوید^۱ و دستور داده است به این که تنازع با هم نکنید، وَالْأَفْشَلُ مِی شُوید^۲؛ مسلمین وقتی می‌توانند از گیر ابرقدرت‌ها و از گیر حکومت‌های فاسد خودشان خلاص بشوند که این امر خدا را اجابت کنند. این دعوت الاهی است. از صدر اسلام تا آخر، این دعوت را اجابت کنند. اگر دعوت را اجابت نکنند و هی بخواهند بگویند که آقا! بیایید بکنید این کار را، تا این دعوت اجابت نشود، کاری از ما نمی‌آید. کار وقتی از ما ساخته است که اسلامی فکر کنیم و به قرآن و اسلام گرایش پیدا کنیم و به تعلیمات صدر اسلام عمل کنیم (همان، ج ۱۳، ص ۹۲).

از دیدگاه ایشان، اسلامی که با این تعریف صادر شود، حرکت آفرین و براندازنده طواغیت است و ملت‌ها را از یوغ مستکبران رها می‌کند. انتظار در معنای رخوت و بی‌عملی از دیدگاه ایشان مردود و انتظاری ممدوح است که با طرح درست آموزه‌های اسلامی، مسلمانان را از شر حاکمان فاسد خود رها کند.

آیت الله خامنه‌ای نیز، در مقوله موعودیت و انتظار بحث‌هایی جدی دارند. ایشان در باب انتظار موعود اظهار می‌دارند که در هیچ جای دنیای اسلام، مثل ایران بحث انتظار ظهور، روح پرامید و پرتپش را - آن‌گونه که در ایران مطرح است - مطرح نکرده‌اند:

آن ملتی که به آینده امید دارد، می‌داند که روزگار ظلم و ستم و زورگویی و تجاوز و طغیان و استکبار، با همه حجم عظیمی که امروز در جهان به وجود آورده است؛ یک روزگار تمام‌شدنی است و دورانی خواهد رسید که قدرت قاهره حق، همه قله‌های فساد و ظلم را از بین خواهد برد و چشم‌انداز زندگی بشر را با نور عدالت منور خواهد کرد؛ معنای انتظار دوران امام زمان این است... باید زمینه را برای آن چنان دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد و اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعال‌تر و خلاق‌تر و

۱. بخشی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید.

۲. سوره انفال، آیه ۴۶: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع را نپویید که در اثر تفرقه، سست و ترسوده، قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد، بلکه همه باید پایدار و صبور باشید که خدا همیشه با صابران است.»

آفریننده‌تر است، آماده کنیم؛ دورانی که ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند؛ و در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست (بیانات رهبری ۳۰/۱۱/۱۳۷۰).

از نظر اسکاچپول، جامعه‌شناس نظریه پرداز در حوزه انقلاب‌ها، تنها انقلابی که در طول تاریخ در آن، بخش‌های جامعه شهری تحت هدایت اسلام شیعی به رهبری روحانی عالی رتبه، آیت‌الله خمینی با هدف سرنگونی شاه ایجاد شده؛ انقلاب ایران است. از دیدگاه او اسلام شیعی به لحاظ سازمانی و فرهنگی در ایجاد انقلاب ایران نقش ایفا کرد. از دیدگاه او انتشار ایده‌های سیاسی روحانیان رادیکال، برای شاه چالش ایجاد کرد. صورت بندی‌های اجتماعی به هماهنگ شدن توده مردم و ایجاد اراده اخلاقی لازم در آن‌ها برای سرکوب نیروهای حکومت حاکم منجر شد؛ چرا که منابع سیاسی حیاتی را برای ایجاد جنبش انقلابی با ظاهری مدرن فراهم کرد (اسکاچپول، ۱۳۸۲: ص ۱۳۲).

بنابر آنچه ذکر شد، به نظر می‌رسد الاهیات امید مولتمان با گفتمان عمل‌گرایانه انتظار مهدویت در شیعه همگرایی و همسویی جدی دارد. معلوم می‌شود ظرفیت عمل‌گرایی در بحث انتظار شیعی وجود داشته است؛ اما قرن‌ها مورد کم توجهی قرار گرفته است. همان‌طور که انقلاب اسلامی ایران عمل‌گرایی انتظار را بروز و ظهور دارد؛ از این کارکرد برای تبیین آموزه مهدویت در جهان معاصر می‌توان بهره برد.



نتیجه گیری

الاهیات امید مولتمان، «فرجام شناسی» را محور آموزه‌های مسیحی قرار می‌دهد و هر یک از آموزه‌ها را در ارتباط با آن بازخوانی می‌کند. از منظر وی، بازگشت عیسی مسیح و برقراری ملکوت الهی نوعی «فرآیند» است، نه «رویداد». بنابر الاهیات امید مولتمان، کلیسا با حضور فعالانه‌تر در عرصه اجتماع و بازتفسیر آموزه‌های کتاب مقدس، وظیفه امیدآفرینی و حرکت بخشی در میان مسیحیان را برعهده دارد و با جهت دهی فرجام شناسانه، به سوی ملکوت آینده خدا بر بیداری ایمان فردی تاکید کرده و ساختارهای ناعادلانه را تغییر می‌دهد. الاهیات مولتمان، الاهیاتی زمینه‌مند است و دغدغه درد و رنج طبقه محروم را دارد. مولتمان فرجام شناسی تاریخی مورد نظر خود را «فرجام شناسی سیاسی» می‌داند. از این رو، بیش از آن که بر جنبه‌های معرفت شناختی آموزه آخرالزمان تاکید کند، بر جنبه عمل (پراکسیس) تأکید می‌ورزد. او مباحث آکادمیک را وارد ادبیات عوام کرده و باور آخرالزمانی را به گفتمانی قدرتمند (در اصلاح امور اجتماعی) تبدیل کرده است. او از مومنان مسیحی می‌خواهد جهان خود را مطابق فرمان الهی بیاریند تا زمینه رستاخیز مجدد عیسی مسیح فراهم آید؛ یعنی به جای این که همچون نظاره‌گری منفعل در انتظار تحقق اراده خدا در یک لحظه باشند؛ حضوری فعال و اثرگذار داشته باشند. آنان باید بر اساس امید به آینده، برای تغییر شرایط نامطلوب کنونی فعالیت کنند. این دیدگاه بر شکل‌گیری الاهیات رهایی بخش و موج بیداری سیاسی- اجتماعی در کشورهای آمریکای لاتین تاثیرگذار بوده است.

در کلام شیعی به پیروی از جوامع روایی منقول از پیامبر اعظم و ائمه اطهار علیهم‌السلام؛ روح امید و انتظار برپایی حکومت عدل الهی وجود داشته است. مومنان منتظر شیعه در طول تاریخ تشیع، در جهت تعهد به آموزه انتظار فرج، در اجرای عمل فردی متناسب با آموزه‌های الهی و همین‌طور انجام دادن عبادات اجتماعی و کمک به هم‌کیشان سعی و تلاش داشتند؛ با این امید که به وسیله آن به امام خود تقرب پیدا کنند و بتوانند زمینه ساز حکومت عدل الهی بشوند؛ اگرچه همواره به علت در اختیار نداشتن زمام حکومت در اجرای بسیاری از احکام دینی که به جایگاه حکومتی نیاز داشت؛ ناکام می‌ماندند. قبل از انقلاب اسلامی ایران، آموزه مهدویت و مسئله انتظار بیش‌تر باوری فردی محسوب می‌شد و این باور، به حرکتی اجتماعی و تغییر وضع



نامطلوب موجود ناظر نبود و انتظار مقوله‌ای به نام اعتراض به وضعیت موجود و مقاومت در برابر ظلم و ستم نداشت. در مسئله انتظار، کم‌تر جنبه مسئولیت‌پذیری مورد توجه قرار گرفته بود. امام خمینی، انتظار را به گفتمانی تبدیل کرد که در آن اعتراض و مقاومت و تغییر وضع موجود به وجود آمد. به این ترتیب، معلوم می‌شود جنبه عملگرایی در آموزه‌های شیعی وجود داشته است؛ ولی ممکن است در برهه‌هایی از تاریخ مورد کم‌توجهی قرار گرفته باشد.

قالب تفکر مولتمان، دارای این ظرفیت جدی است که با تأکید بر جنبه عملی و حرکت‌زای دین، به عنوان ظرف ارائه تفکر مهدوی در جهت زمینه‌سازی امر ظهور به پویایی و امید اجتماعی؛ برای تغییر زمان حال به نفع آینده موعود استفاده شود. همین‌طور می‌توان از آن در توسعه ادبیات مهدویت استفاده کرد و مخاطبان بیشتری را به مطالعه و درک این آموزه فراخواند. به عنوان نکته پایانی، الاهیات امید مولتمان و تاثیرگذاری سیاسی- اجتماعی آن را می‌توان موید رابطه دین و سیاست دانست. البته شاید دیدگاه مولتمان لزوماً تشکیل حکومت دینی نباشد؛ اما می‌توان گفت یکی از جنبه‌های الاهیات امید مولتمان، با شکل‌گیری حکومت دینی همخوانی دارد.



منابع

قرآن کریم

۱. ابن مشهدی، محمد (۱۴۱۹ق). *مترن، محقق: جواد قیومی اصفهانی*، تهران، مؤسسه نشر اسلامی.
۲. ابن شعبه حزانى، حسن (۱۴۰۴ق). *تحف العقول، مصحح: علی اکبر غفاری*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۳. ابن قولویه، جعفر (۱۴۱۷ق). *کامل الزیارات*، محقق: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۴. ادگار، آلیستر مک گراث (۱۳۹۵). *الاهیات*، قم، انتشارات ادیان.
۵. استنلی جی. گرنزو و راجر ای. اولسن (۱۳۸۹). *الاهیات مسیحی در قرن بیستم: خدا و جهان در عصر گذار*، مترجم: روبرت آسریان، میشل آقامالیان، تهران، نشر ماهی.
۶. انصاری بحرانی، ابراهیم (۱۴۱۸ق). *دولة المهدي المنتظر عجل الله تعالی فرجه*، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۷. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *مکاسب*، قم، کنگره شیخ انصاری.
۸. _____ (۱۴۱۵ق). *کتاب الخمس*، قم، کنگره شیخ انصاری.
۹. _____ (۱۴۱۵ق). *کتاب القضاء والشهادات*، قم، کنگره شیخ انصاری.
۱۰. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق). *الذریعه الى تصانیف الشیعه*، بیروت، دار الأضواء.
۱۱. بحرانی، سید هاشم (۱۴۲۱ق). *غایه المرام*، محقق: سید علی عاشور، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۱۲. تیسن، هنری (بی تا). *الاهیات مسیحی*، مترجم: طاطه وس میکائیلیان، تهران، حیات ابدی.
۱۳. جوینی، عظاملک (۱۳۸۸). *تاریخ جهان گشای جوینی*، تهران، نگاه.
۱۴. حجاریان، سعید (۱۳۷۳). *موعودیت در انقلاب روسیه و انقلاب اسلامی ایران* (پایان نامه کارشناسی ارشد)، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. حسینی طهرانی، سید محمد حسین (۱۴۲۵ق). *مهترتابان*، مشهد، انتشارات نور ملکوت قرآن.
۱۶. حلبی، علی (۱۴۱۴ق). *إشارة السبق*، محقق: ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۷. رسول رسولی پور و سرایلو، حسن (پاییز و زمستان ۱۳۹۸). «*نقد و تحلیل الاهیات امید بیورگن مؤلتمان*»، پژوهشنامه فلسفه دین، ش ۲ (۳۴)، ص ۷۵-۱۰۲.
۱۸. صادق نیا، مهرباب (زمستان ۱۳۹۴). «*موعودگرایی: مقاومت و اعتراض، نگاهی به تجربه انقلاب اسلامی*»، انتظار موعود، ش ۵۱، ص ۴۳-۵۸.
۱۹. صدوق، محمد (۱۴۰۳ق). *خصال*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۰. _____ (۱۴۰۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

۲۱. _____ (۱۴۱۷ق). *أمالی*، قم، مؤسسه بعثت.
۲۲. طبری، محمد (۱۴۱۳ق). *دلائل الامامة*، قم، مؤسسه بعثت.
۲۳. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۴ق). *مختصر مفید*، بیروت، مرکز اسلامی للدراسات.
۲۴. فتال نیشابوری، محمد (بی تا). *روضه الواعظین*، قم، منشورات الرضی.
۲۵. قاسمی قمی، جواد (بهاره ۱۳۹۰). «*تفاسیر مهم مسیحی درباره بازگشت مسیح*»، هفت آسمان، ش ۴۹، ص ۲۳-۴۷.
۲۶. لین، تونی (۱۳۹۶). *تاریخ تفکر مسیحی*، مترجم: روبرت آسریان، تهران، فروزان روز.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفا.
۲۸. محققیان، زهرا و پرچم، اعظم، ماهیت، امید (۱۳۹۱ زمستان). «مقایسه ای تطبیقی بین اسلام و مسیحیت»، معرفت ادیان، ش ۱۳۱، ص ۷-۲۶.
۲۹. مغربی، قاضی نعمان (بی تا). *شرح الاخبار*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۰. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۴۲۱ق). *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم* عجل الله تعالی فرجه الشریف، محقق: سید علی عاشور، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
۳۱. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۶). *صحیفه نور*، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام علیه السلام.
۳۲. مهدور، سامان (۱۳۹۹). *مقایسه و ارزیابی دیدگاه های فرجام شناختی یورگن مولتمان و رودلف بولتمان* (پایان نامه کارشناسی ارشد)، تهران، دانشگاه تهران.
۳۳. میرتبار، سید مرتضی و دیگران (بهار ۱۳۹۴). «*تأثیر الاهیات اروپایی بر تشکیل الاهیات رهایی بخش آمریکای لاتین*»، معرفت ادیان، ش ۲.
۳۴. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷). *جواهر الکلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. نراقی، احمد (۱۴۱۷ق). *عوائد الایام*، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۳۶. نراقی، محمدمهدی (بی تا). *جامع السعادات*، محقق: سید محمد کلانتر، نجف، مکتبه النعمان.
۳۷. وحیدی مهرجردی، شهاب الدین (پاییز ۱۳۹۰). «*درآمدی بر الاهیات رهایی بخش*»، هفت آسمان، ش ۵۱.
۳۸. هیشمی، علی (۱۴۰۸ق). *مجمع الزوائد*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۹. الهی راد، صفر (۱۳۹۰). *الهیات پست لیبرال*، قم، مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۰. یزدی حائری، علی (۱۴۲۲ق). *النزام الناصب*، محقق: سید علی عاشور، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

41. Moltmann Jurgen (1996). The coming of God: Christian Eschatology .translated by Margaret Kohl.Minneapolis, MN: Fortress Press.
42. Moltmann, Jurgen(1975). The Church in the Power of the Spirit: A contribution to Messianic Ecclesiology , London, SCM.
43. Moltmann, Jurgen (1967) .Theology of hope: On the Ground and The Implications of a Christian Eschatology, London, SCM.
44. Moltmann, Jurgen (1999). God for a Secular society: The public Relevance of Theology .Translated by Margaret Kohl.London, SCM Press.
45. <http://forsat3000.mihanblog.com/post/767>.
46. <http://www.bashgah.net/fa/categort/show/6818>.
47. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content>.

